لایحه تامین امنیت زنان تقدیم دولت می‌شود

فرهیختگان| مدیرکل دفتر بررسی های امور حقوقی معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری گفت: «لایحه جامع تامین امنیت زنان در برابر خشونت پس از طی مراحل قانونی آن به احتمال قوی تا شهریور امسال تقدیم دولت می‌شود.»اشرف گرامی‌زادگان افزود: «این لایحه دارای دو بخش جزایی و مدنی است؛ بخش جزایی آن را قوه قضائیه و بخش مدنی نیز در زمینه مسائل حقوقی و فقهی توسط معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در حال بررسی است.» او به «ایرنا» گفت: «تاکنون برای بخش جزایی آن جلسات مشترکی با قوه قضائیه برگزار شده است. خوشبختانه در این زمینه همکاری‌های خوبی بین معاونت زنان و دستگاه قضا وجود دارد تا بتوانیم این لایحه را به سرانجام برسانیم.»

کیوسک

مجوز برای احداث مهدکودک در زندان‌ها صادر نشد

فرهیختگان| برخی معتقدند که فرزندان زنان زندانی باید در کنار آنها باشند و برخی می‌گویند محیط زندان برای کودکان مناسب نیست. برای همین بود که مدتی قبل موضوع احداث مهدهای کودک در مجاورت زندان و نه داخل زندان، مطرح شد و مورد بررسی قرار گرفت. اما نه احداث مهدکودک‌های داخل زندان و نه مهدهای کنار زندان‌ها مجوز نگرفته‌اند. البته کودکان زیر دو سال در محیط زندان و در کنار مادرانشان نگهداری می‌شوند اما محیط نه‌چندان مناسب زندان‌ها باعث شده پیشنهادهایی برای این مشکل مطرح شود. در حال حاضر کودکان بالای دو سال یا ازسوی اقوام زن زندانی نگهداری می‌شوند یا گاه به بهزیستی سپرده می‌شوند. در حالی که موضوع احداث مهد کودک در مجاورت زندان‌ها و در محیط خارج از زندان، به کلی فراموش شده است. مدیرکل امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور در این باره گفته که هیچ مجوزی برای احداث مهدکودک در زندان ها صادر نشده است.

محمد نفریه با بیان اینکه در زندان زنان نباید مهدکودک وجود داشته باشد، گفته است: «به لحاظ تخصصی صلاح نیست جز کودک زیر دو سال که نیاز به شیردهی و تماس نزدیک با مادر دارد، کودک دیگری در محیط زندان حضور داشته باشد.»

او با تاکید بر اینکه محیط زندان‌ها آسیب‌های متعددی را برای کودکان به همراه دارد و نباید کودکی به علت داشتن مادر زندانی در محیط زندان حضور داشته باشد، افزود: «کودکان بالای دو سالی که دارای مادران زندانی و فاقد سرپرست یا بدسرپرست هستند، باید به مراکز بهزیستی تحویل داده شوند..» او به «ایسنا» گفت: «کودک بالای دو سال نباید در زندان باشد، اما در حال حاضر برخی کودکان بالای دوسال به دلیل اصرار مادر یا دلایل دیگر هنوز در زندان‌ها هستند.» مدیر کل امور کودکان و نوجوانان در ادامه به تاسیس مهدکودک در زندان‌ها اشاره کرد و گفت: «بهزیستی در حوزه صدور مجوز، تربیت مربی و کمک به تجهیز این مهدها آمادگی دارد اما در عمل مشکلاتی برای تاسیس این مراکز وجود دارد و در حال حاضر هیچ مجوزی برای احداث مهدکودک در زندان ها صادر نشده است ولی خدمات مراقبتی خوبی برای کودکان ساکن در زندان فراهم کرده‌ایم.» نفریه تاکید کرد: «صلاح می‌دانیم این کودکان از زندان بیرون آمده و تا آزادی مادر در مراکز بهزیستی حضور داشته باشند.»

فقر، یک عامل سکته قلبی

فرهیختگان| یک جراح قلب با اشاره به موضوع فقر به‌عنوان عامل تاثیرگذار در افزایش سکته قلبی، گفت: «فقر، استرس را به دنبال خود دارد. مشکلات اقتصادی ارتباط مستقیمی با سکته‌های قلبی دارند، به‌طوری‌که احتمال بروز سکته در بدهکاران بانکی و زندانیان چک بیشتر است.» مهرداد صالحی، جراح قلب با بیان عوامل موثر در سکته‌های قلبی، گفت: «سکته‌های قلبی عوامل متعددی دارد که برخی از این عوامل قابل پیشگیری و برخی نیز غیرقابل پیشگیری است.»

او چاقی و بی‌تحرکی را از عوامل قابل پیشگیری و درمان سکته قلبی دانست و افزود: «عواملی نظیر فشار خون بالا، چربی خون، استرس بی‌خوابی و فشارهای عصبی نیز از عوامل قابل کنترل سکته‌های قلبی هستند اما عوامل ژنتیکی و دیابت از علل غیرقابل کنترل و پیشگیری سکته‌های قلبی هستند.» این جراح قلب، استرس، بی‌خوابی، فشارهای عصبی و اضطراب را به‌عنوان علل مهم سکته‌های قلبی عنوان کرد.

گزارشی درباره مکان‌یابی ایستگاه قطار در تهران

به‌دنبال ایستگاه آخر

الهام کاظمی
E.kazemi@fdn.ir

موضوع تعیین تکلیف خطوط ریلی پایتخت چندسالی می‌شود که روی میز است؛ میزی که در یک‌سوی آن مدیران شهری با اصرار بر خروج ایستگاه راه‌آهن از شهر و در سوی دیگرش مسئولان راه‌آهن با پیشنهاد ورود آن به مراکز شهری نشسته‌اند. اختلافی که تا امروز ادامه دارد و هر دوطرف بر نظرات‌شان پافشاری می‌کنند. شهرداری وجود آلودگی صوتی و زیست‌محیطی را دلیل اصلی اصرارش برای خروج راه‌آهن اعلام می‌کند و به اعتقاد برخی کارشناسان و اعضای شورای شهر تهران، وجود خط راه‌آهن در درون‌شهر باعث شده است تا منطقه ۱۷ تهران مانند جزیره از تهران جدا بیفتد و علاوه‌بر آنکه محل تشکیل کلونی‌های آسیب اجتماعی شود، از بسیاری از راه‌های ارتباطی با مرکز شهر محروم باشد.

اما گویا تجربه جهانی همان است که مدیران راه‌آهن به دنبال آن هستند. در بسیاری از شهرهای بزرگ دنیا، تمام ایستگاه‌های قطار در مرکز شهر قرار گرفته و به سیستم حمل‌ونقل درون‌شهری مرتبط هستند. به اعتقاد مسئولان راه‌آهن ورود راه‌آهن به مراکز شهر باعث ارتقای ارائه خدمات حمل‌ونقل به شهروندان می‌شود و ایده خروج ایستگاه‌های راه‌آهن به خارج شهر غیرعلمی است و باعث می‌شود شهروندان برای حضور در ایستگاه قطار یک سفر چندساعته درون‌شهری و برون‌شهری را تجربه کنند. درحال حاضر ۱۰ ایستگاه قطار در مراکز اصلی لندن و ۷ ایستگاه در مراکز اصلی پاریس وجود دارد. از طرفی ایستگاه بزرگ مرکزی شهر نیویورک هم که در مرکز شهر قرار گرفته است به‌عنوان یک مرکز تجاری، فرهنگی و ترانزیتی بزرگ به حساب می‌آید. اوضاع در برلین، مسکو و توکیو نیز به همین منوال است و ایستگاه‌های قطار از دل شهر عبور کرده و بدون اینکه خطراتی برای شهروندان از لحاظ آلودگی داشته باشد، چهارسوی شهر را به هم متصل می‌کنند.

اما این موضوع که آیا می‌توان چنین نسخه‌ای را هم برای خطوط ریلی تهران پیچید، اختلاف چندین ساله راه‌آهن و شهرداری تهران است؛ موضوعی که باعث شده طرح‌های راه‌آهن برای ساخت ایستگاه‌هایی در میدان آزادی، محدوده مطهری و عباس‌آباد همچنان مسکوت باقی بماند. توسعه ایستگاه‌های قطار و توسعه خطوط مترو تا ایستگاه‌های قطار موضوعی است که راه‌آهن آن را دنبال می‌کند.

اما شهرداری تهران با تکیه بر بار ترافیکی و آلودگی صوتی جابه‌جایی قطار در درون‌شهر موضوع خروج راه‌آهن از تهران را مطرح می‌کند و راه‌حلش برای رسیدن مسافران به ایستگاه قطار توسعه خطوط اتوبوسرانی و مترو تا ایستگاه قطار است.

ابوالفضل قناعتی، عضو هیات‌رئیسه شورای شهر تهران در پاسخ به اینکه با وضعیت موجود خروج راه‌آهن از شهر را به صلاح تهران می‌داند، در گفت‌وگو با «فرهیختگان» گفت: «یکی از نقاط شروع آلودگی هوا در ایام آلودگی میدان‌های راه‌آهن و شوش هستند و آن هم به این دلیل است که این مناطق کانون قطارهای برون‌شهری تهران است.» به گفته او، وجود راه‌آهن در این منطقه باعث شده است حجم تردد در منطقه زیاد شود و علاوه‌بر ایجاد ترافیک سنگین آلودگی صوتی و زیست‌محیطی را رقم بزنند.

> در بسیاری از شهرهای دنیا، ایستگاه‌های قطار در مرکز شهر قرار گرفته و به سیستم حمل‌ونقل درون‌شهری مرتبط هستند

او حضور ایستگاه‌های قطار در درون‌شهر را در صورتی موفق می‌داند که نخست چندین ایستگاه در شهر تاسیس شود تا مرکزیت ایستگاه قطار باعث ترافیک منطقه و روان شدن خودروهای مسافران به سمت آن نشود. از طرفی باید سیستم دیزلی لوکوموتیوها به سیستم برقی تبدیل شود تا آلودگی‌های صوتی و زیست‌محیطی به حداقل ممکن برسد.

قناعتی با بیان اینکه درحال حاضر فضای ایستگاه قطار بخش بزرگی از شهر را به خود اختصاص داده است، می‌گوید: «این حجم از فضا پنج برابر حجم فضای اشغالی ایستگاه‌های قطار در کشورهای اروپایی است که خود مشکلات بسیاری را برای شهر ایجاد می‌کند. بنابراین حجم ایستگاه‌های جدید نیز باید به کمترین میزان برسد.»

اما به اعتقاد او هزینه تملک زمین و ساخت ایستگاه‌های قطار در مراکز مختلف تهران بیش از حد انتظار است و حتی دولت هم نمی‌تواند از پس هزینه‌های آن برآید، بنابراین اجرای چنین طرحی سال‌ها به طول می‌انجامد.

او در پاسخ به اینکه ورود راه‌آهن به شهر تجربه موفقی در جهان داشته است، می‌گوید: «باید در نظر داشت که این شهرها از همان ابتدا وجود راه‌آهن را در جایابی و توسعه شهری خود لحاظ کرده‌اند و قدمت حضور راه‌آهن برخی شهرها به بیش از ۲۰۰ سال می‌رسد. درحالی که ما باید به سختی این ایستگاه‌ها را در مناطق مختلف شهر جایابی کرده و بعد با مسیرهای مختلف ارتباط دهیم که حتی ممکن است در زیبایی شهر هم تاثیرگذار باشد.»

با این حال تعیین تکلیف این موضوع با اینکه هفته گذشته محسن پورسیدآقایی، مدیرعامل راه‌آهن را به شورای شهر کشانده بود همچنان مسکوت است تا شاید در کمیته‌ای که قرار است شهرداری، راه‌آهن و اعضای شورای شهر در آن حضور یابند، به نتیجه برسد.

ایستگاه راه‌آهن تهران

آموزش

گزارش «فرهیختگان» از مدرسه‌ای که به خاطر نداشتن سرانه در معرض تخریب است

سرانه، بی‌سرانه

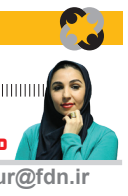

مطهره واعظی‌پور
m.vaezipour@fdn.ir

این داستان تنها یک مدرسه نیست؛ داستان مدارسی است که در گوشه و کنار این کشور وجود دارند و هر سال با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند؛ مدارسی که سرانه ناچیز آموزش و پرورش می‌تواند حیات تازه‌ای در رگ‌هایشان جاری کند.

دبستان شهید تندگویان در یکی از خیابان‌های فرعی نزدیک دانشگاه آزاد اسلامی قیامدشت است؛ جایی که به برکت دانشگاه آزاد اسلامی، شهرداری خیابان‌شان را آسفالت کرده و بچه‌های مدرسه مجبور نیستند در خیابان‌های خاکی به مدرسه بروند.

ساختمان مدرسه از بقیه خانه‌ها جلوتر و قدیمی‌تر است. چند پسربچه که با آجر دروازه درست کرده‌اند جلوی در مدرسه فوتبال باز می‌کنند. امیرحسین داخل دروازه ایستاده است. دانش‌آموز دبستان شهید تندگویان است. لگدی به توپ می‌زند و می‌گوید: «در مدرسه را باز نمی‌کنند که ما هم مثل مدارس شهری تابستان در مدرسه بازی کنیم یا کلاس‌های تابستانی داشته باشیم.»

آرش همبازی دیگرش که در همان کوچه زندگی می‌کند با صدای بلند می‌گوید: «اگر آمدید از مدرسه ما گزارش تهیه کنید این را بدانید که چند روز پیش حکم تخریب آورده بودند.» با دست به ساختمان روبه‌روی مدرسه اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «خانه ما همین‌جاست. خودم دیدم که چند نفر با ماشین شهرداری نامه‌ای را به مدیر مدرسه دادند و با دست به دیوار مدرسه زدند و گفتند باید خراب شود.»

با یکی از مسئولان مدرسه در مورد شرایط دبستان شهید تندگویان که صحبت می‌کنیم، می‌خواهد اسمش را نبریم. می‌گوید: «۵۴۰ دانش‌آموز در این مدرسه درس می‌خوانند. به دلیل کوچک بودن مدارس مجبور هستیم ۱۵ کلاس شیفت صبح و ۱۷ کلاس شیفت بعدازظهر داشته باشیم. حالا با این شرایط شهرداری به ما اخطار داده که مدرسه باید عقب‌نشینی کند، در غیر این صورت اجازه فعالیت نداریم. ما اگر عقب‌نشینی کنیم علاوه‌بر اینکه حیاط مدرسه کوچک می‌شود هشت کلاس درس هم خراب می‌شود.»

او ادامه می‌دهد: «در این مدرسه ۱۳۰ دانش‌آموز بی‌بضاعت یا بدبضاعت درس می‌خوانند. علاوه‌بر اینها ۱۰۳ دانش‌آموز اتباع خارجی هستند که ما با چنگ و دندان برای ادامه تحصیل این دانش‌آموزان تلاش می‌کنیم، زیرا هر کدام‌شان هر لحظه ممکن است به دلیل فقر و اینکه مجبور هستند کار کنند یا به دلیل نداشتن کارت هویتی یا هزینه تحصیل نتوانند درس بخوانند.»

او می‌گوید: «هنوز بخشنامه ثبت‌نام دانش‌آموزان اتباع خارجی نیامده است. آموزش و پرورش هر سال این بخشنامه را خیلی دیر صادر می‌کند. بعد از صدور بخشنامه بچه‌ها باید هزینه‌ای را که تا پارسال سالی ۲۰۰ هزارتومان بود، پرداخت کنند و مراحل ثبت‌نام‌شان را انجام دهند. در این بین آموزش و پرورش سهم مدرسه را پرداخت نمی‌کند، با این وجود ما جلوی تحصیل‌شان را نمی‌گیریم.»

> در برخی مدارس هزینه‌های جاری مدرسه مانند آب، برق و گاز از اولیای برخی دانش‌آموزان گرفته می‌شود

گرفتن مبلغی از اولیا، مشکلی است که دبستان شهید تندگویان هم با آن روبه‌رو است، اما یکی از مسئولان مدرسه می‌گوید: «وقتی نه سرانه دانش‌آموزان پرداخت می‌شود، نه سهم دانش‌آموزان افغان، ما مجبوریم هزینه‌های جاری مدرسه مانند آب، برق و گاز را از اولیای برخی دانش‌آموزان بگیریم.»

سرانه دانش‌آموزان پرداخت نمی‌شود

سرانه دانش‌آموزی تا سال گذشته ردیف بودجه‌ای مشخصی نداشت و امسال برای اولین بار برای سرانه دانش‌آموزی، ردیف بودجه‌ای مشخص شده است.

محمدرضا نیک‌نژاد، کارشناس آموزش و پرورش به «فرهیختگان» می‌گوید: «شاید بتوان گفت تنها اتفاق مثبتی که در بودجه ۹۵ آموزش و پرورش افتاده اختصاص بودجه‌ای جداگانه برای سرانه دانش‌آموزان است، یعنی امسال آموزش و پرورش باید مبلغ سرانه دانش‌آموزی را با توجه به بودجه‌ای که دارد پرداخت کند.»

او می‌افزاید: «درست است که از امسال قرار است ۱۵۰ میلیارد تومان به سرانه دانش‌آموزی اختصاص پیدا کند اما این بودجه برای ۱۳ میلیون دانش‌آموز واقعا مبلغ ناچیزی حدود سالانه ۲۰ هزار تومان برای هر دانش‌آموز است. البته شاید بتوان به این بودجه به‌عنوان یک نقطه امیدوارکننده نگاه کرد؛ اما در اصل باید گفت این مبلغ مشکلی را از نظام آموزشی حل نخواهد کرد.»

نیک‌نژاد تاکید می‌کند: «اگر آموزش و پرورش از سال‌های گذشته سرانه دانش‌آموزان را پرداخت می‌کرد و مدیران مدارس را مجبور نمی‌کرد دست‌شان را به سمت خانواده‌ها و خیرین دراز کنند، قطعا وضعیت مدارس الان بهتر بود.»

به گفته نیک‌نژاد، آموزش و پرورش تنها اعلام می‌کند با مدارس متخلفی که شهریه دریافت می‌کنند برخورد می‌کنند اما هیچ وقت فکر نکرده که چرا مدارس دست به انجام چنین تخلفی می‌زنند. آیا غیر از این است که برای جلوگیری از قطع شدن آب، برق و گاز و فراهم کردن امکانات اولیه مدارس مجبور می‌شوند از اولیا پول بگیرند؟»

چالش‌های مالی آموزش و پرورش معضلی است که باعث شده توجه به آموزش نتواند به اولویت نخست مسئولان این وزارتخانه بدل شود و بخش عمده دغدغه‌های آنها معطوف به تامین حقوق کارکنان و معلمان و همچنین نیازهای اولیه این وزارتخانه شود.

آسیب

جلوگیری از ۴۷۰۰ خودکشی در سال ۹۴

رئیس سازمان بهزیستی کشور عصر پنجشنبه هفته پیش، با بیان اینکه بیش از ۴۰درصد طلاق‌ها ناشی از اعتیاد است و ۶۰ درصد جرائم نیز به اعتیاد ربط دارد، گفت: «جلوگیری از چهارهزار ۷۰۰ نفر خودکشی در سال ۹۴ از اقدامات اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی بوده است.» انوشیروان محسنی‌بندپی در سخنرانی پیش از خطبه‌های نمازجمعه تهران گفت: «حمایت از خانواده‌های بی‌سرپرست و نگهداری و حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست، ارائه خدمات پیشگیری برای جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و معلولیت‌ها، ارائه خدمات آموزشی به معلولان و سالمندان و بیماران روانی مزمن، پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و درمان و بازتوانی معتادان و همچنین بحث بهبود و توانمندسازی جامعه معتادان و حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد جامعه بخشی از فعالیت‌های سازمان بهزیستی است.» او یکی از دغدغه‌های رهبر معظم انقلاب را آسیب‌های اجتماعی دانست و گفت: «دغدغه‌های ایشان موجب شد دو بار با مسئولان نظام درباره آسیب‌های اجتماعی جلسه برگزار کنند و این بسیار حائزاهمیت است.» رئیس سازمان بهزیستی کشور گفت: «اولین آسیب اجتماعی که خانمان‌برانداز است، اعتیاد محسوب می‌شود؛ اعتیاد باعث از دست رفتن نیروی کار و فروپاشی خانواده‌ها می‌شود.» بندپی ادامه داد: «امروزه شاهدیم که بیش از ۴۰ درصد طلاق‌ها ناشی از اعتیاد است و ۶۰ درصد جرائم نیز به اعتیاد ربط دارد؛ سازمان بهزیستی نیز در بحث شیوع و جلوگیری از اعتیاد اقداماتی نظیر ارتقابخشیدن آگاهی‌های جامعه را داشته است و ارتقای دانش خانواده‌ها نسبت به این پدیده مخرب را دنبال می‌کند.» رئیس سازمان بهزیستی کشور طلاق را یکی‌دیگر معضلات عنوان کرد و گفت: «اصلی‌ترین بنیاد جامعه خانواده است و اگر اصل خانواده دچار مشکل شود باعث بروز طلاق می‌شود؛ سازمان در این‌باره اقداماتی انجام داده و برنامه‌هایی در اولویت دارد؛ برنامه آموزشی پیش از ازدواج، آموزش زندگی خانواده و آموزش مهارت‌های زندگی و آموزش فرزندپروری از دیگر برنامه‌ها در این خصوص است.»

او یکی از اهداف سازمان بهزیستی را در زمینه مداخلات اجتماعی دانست و گفت: «برخوردار بودن از شبکه وسیع اورژانس اجتماعی از مزیت‌های سازمان بهزیستی است و مداخلات بهنگام در رابطه با بحران فردی، خانوادگی و اجتماعی و جلوگیری از چهارهزار ۷۰۰ نفر خودکشی در سال ۹۴ از دیگر اقدامات اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی بوده است.»

گزارش

اعضای انجمن معلولان ذهنی در خیابان برنامه هنری اجرا کردند

آوای آرزوها در خیابان

شیما شاهین‌فر | شروع برنامه را ساعت پنج عصر اعلام کرده بودند. پیاده‌راه کم‌عرضی که کنار مدرسه آموزش استثنایی استاد باغچه‌بان شهر قزوین قرار داشت و پیش از این، طرح دیوار ۴۷ را برای بچه‌های سندروم داون، آنجا اجرا کرده بودند، حالا محل برگزاری جشنی شده که مردم را به شادمانی و محبت فرا می‌خواند.

صندلی‌های زرد، زنان و مردان جوانی که شال زرد رنگ به گردن انداخته‌اند و هر عابری را به جشن خود دعوت می‌کنند، تابلوهای نقاشی رنگ‌روغن و آلات موسیقی که نوازندگان را به انتظار نشسته‌اند، به عابران گوشزد می‌کنند که اینجا خبرهایی است. عابری می‌گوید: «چرا اطلاع‌رسانی نشده بود؟ واقعا قرار است معلول‌ها برنامه اجرا کنند؟»

هر از گاهی دخترانی که لباس سفید به تن دارند و تاجی از گل مریم روی سرشان است، شتابزده و نگران از مدرسه خارج می‌شوند، از اولین عابر ساعت را می‌پرسند و دوباره به سمت حیاط مدرسه می‌دوند. بعضی‌هایشان قد کوتاه، با صورتی گرد و چشمانی کشیده هستند و می‌توان حدس زد یک کروموزوم بیشتر از بقیه دارند.

وارد محوطه مدرسه که می‌شویم، دنیای دیگری می‌بینیم. اینجا پشت صحنه جشن است. گروهی ۱۵ نفره از دخترهای سفیدپوش، سرود «مرز پر گهر» و «نم نم باران» را با هم مرور می‌کنند. کمی آن‌طرف‌تر پسر جوانی که فرشید صدایش می‌زنند، سازش را کوک می‌کند.

نیلوفر، دختر سبزه و خوشرویی است که زودتر از همه به استقبال ما می‌آید و سلام می‌دهد: «سلام، من نیلوفر هستم. به جشن ما خوش آمدید.»

آمده‌ایم از جشن‌شان گزارش بگیریم؛ از جشن معلولان ذهنی شهر. دختر، خنده‌ای را که همه صورتش را پوشانده، مخفی می‌کند و می‌خواهد اولین نفری باشد که سوالات ما را جواب می‌دهد. سوالم را درباره اجرای برنامه این‌طور جواب می‌دهد: «این سومین جشنی است که برگزار می‌کنیم. راستش را بخواهید استرس دارم. اگر بچه‌ها خرابکاری کنند مردم دیگر به کارمان توجه نمی‌کنند.»

> آمده‌ایم از جشن‌شان گزارش بگیریم؛ از جشن معلولان ذهنی شهر. دختر، خنده‌ای را که همه صورتش را پوشانده، مخفی می‌کند و می‌خواهد اولین نفری باشد که سوالات ما را جواب می‌دهد

در همین حال یکی از دختران سفیدپوش که از کنارمان رد می‌شود، شال حریر نیلوفر را روی صورتش می‌اندازد و با شیطنت می‌گوید: «بیا، تو هم عروس شدی.» نیلوفر حرف‌هایش را ادامه می‌دهد: «۲۳ ساله هستم. امسال سومین سال دبیرستان رشته گرافیک را تمام کردم و می‌خواهم کنکور بدهم. بزرگ‌ترین آرزویم داشتن یک شرکت عکاسی است. از وقتی به انجمن آمده‌ام دنیای بیرون را فراموش کرده‌ام. مدیر انجمن به ما مثل دخترش محبت می‌کند. من از او مهربانی را یاد گرفتم؛ اینکه بدون دلیل به همه محبت کنم.»

در چهره نیلوفر نشانی از معلولیت نیست، شاید تنها تفاوتش در حرف زدن هویدا شود؛ آنجا که آرزوهایش را از کسی پنهان نمی‌کند.

مونا دختر ۳۳ ساله‌ای است که مانند دیگران تاج‌گل مریم به سر دارد اما چهره‌اش، به اندازه دیگران شادمان به نظر نمی‌رسد. کنارش که می‌نشینیم. بی‌مقدمه می‌گوید: «گشنمه، خوراکی نداری؟» لبخندم که خشک می‌شود ادامه می‌دهد: « اشکالی ندارد. از وقتی عمل کرده‌ام، تند تند گرسنه‌ام می‌شود. می‌دانی؟ سرطان دارم ولی بعد از آخرین عمل جراحی، خوب شدم. خوب‌تر هم می‌شوم.»

آرزوی بازیگری

مونا بعد از آنکه می‌فهمد خبرنگارم، دستش را دور گردنم حلقه می‌کند و می‌گوید: «من عاشق فوتبالم. اسطوره‌ام علی کریمی است. آرزو دارم یک‌بار از نزدیک ببینمش.» اشک‌هایش جاری می‌شود و می‌گوید: «هر روز فیلم تشییع هادی نوروزی را نگاه می‌کنم تا علی کریمی را آنجا ببینم.»

خنده و گریه‌اش درهم می‌آمیزد: «اما بزرگ‌ترین آرزوی من این است که بازیگر شوم و کنار نقی و ارسطوی سریال پایتخت بازی کنم. هر کس قول می‌دهد به من کمک کند، قولش را فراموش می‌کند.»

کم کم صدای موسیقی بلندتر می‌شود. دوباره به محل اجرای برنامه برمی‌گردیم. حالا دیگر جمعیت بیشتر شده است. عده‌ای تابلوها را نگاه می‌کنند و بعضی‌ها هم می‌خرند. پدر و مادرها منتظر اجرای بچه‌ها هستند. فرشید و دوستانش کم‌کم آهنگ را شروع می‌کنند و صدای سرود بچه‌ها در خیابان بلندتر می‌شود. تشویق عابران بچه‌های انجمن معلولان ذهنی را مصمم‌تر می‌کند. دو اجرا که به انتها رسید، نوبت بچه‌ها بود که یکی یکی پشت تریبون بیایند و از رویاها و آرزوهایشان بگویند. آرزوهایی که برآوردنش چندان سخت نیست؛ از داشتن یک ساز یا دوربین عکاسی یا حضور در برنامه‌های زنده تلوزیونی تا ازدواج و مادر شدن.

شادی بچه‌ها، تک‌نوازی گروه موسیقی، نقاشی و فروش تابلوها تا ساعت ۹ شب ادامه دارد. خبری از مسئولان شهر قزوین نیست اما روی بنری که به دیوار آویزان شده، حمایت قانونی مجلس شورای اسلامی از معلولان ذهنی تنها خواسته انجمن عنوان می‌شود.

مهناز حاجی‌علی‌لو، مدیر انجمن معلولان ذهنی، به «فرهیختگان» می‌گوید: «این بچه‌ها، بهترین انسان‌های روی زمین هستند و کار کردن برای آنها لذت‌بخش‌ترین کار دنیا است؛ بچه‌هایی که بی‌بهانه و صادقانه مهربانند، دروغ نمی‌گویند و به همه محبت می‌کنند.» او به فرهنگ برخورد با معلولان اشاره می‌کند: «به اعتقاد من، این بچه‌ها حتی در محدودیت هم محدود هستند. نه به دلیل اینکه توانخواه ذهنی هستند؛ به این علت که فرهنگ برخورد با آنها هنوز در جامعه فراگیر نشده است. شاید کم‌کاری از ما بوده که حالا نگاه به این بچه‌ها عادلانه و صحیح نیست. شاید ما نتوانیم سطح هوش‌شان را بالا ببریم؛ اما می‌توانیم با آموزش و حمایت، توانمندیشان را بیشتر کنیم. ما نباید با یک عنوان «کم‌توان»، آنها را از زندگی عادی محروم کنیم.»

عکس: فرهیختگان

معلولان ذهنی مردم را به مهربانی دعوت کردند